

تدابیر ارزی بانک مرکزی برای مقابله با فشارهای خارجی

به گزارش «ایسنا»، به گفته عبدالناصر همتی، برنامه‌های بانک مرکزی برای این هدف شش مورد است که اولین اقدام، تلاش برای حفظ و تقویت ثبات نسبی بازار ارز از طریق عملیاتی کردن بازار متشکل ارزی است. تنظیم سیاست‌های ارزی برای رشد صادرات غیرنفتی و برگشت ارز به چرخه اقتصاد، تأمین ارز موردنیاز کالاهای اساسی برای حمایت از افشار آسیب‌پذیر، از دیگر تدابیر بانک مرکزی است. وی دیگر برنامه بانک مرکزی را فعال سازی عملیات بازار باز با هدف کنترل نرخ اوراق و برقراری مکانیزم مالی با کشورهای همسایه و دوست و ایجاد تعامل بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و گمرک با بانک مرکزی به‌منظور واردات از طریق تهرانر برشمرده است.

یکشنبه ● ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ ● شماره صد و نود و نه

ا ت ی ۷ ع ه ن و



روان بر می آید و عقلانیت هم در گزینش و کاربست ها برای تحقق اهدافی والا و کارگشا یا همان هایی که باید به آن ها ختم شود، نشأت می گیرد. با این اوصاف ره توسعه و تجلی های آن در ایران مطرح اند. با اینکه نامرئیز در ایران دیر یاست، دست یافته های توسعه نیستند. این اذعان اکثر اقتصاددانان و کارشناسانی از در این راه صرف کرده اند. از گزارش هایی که گروه دهه های ۳۰ و ۴۰ در باره اوضاع برنامه ریزی در ایران و انقلاب که امثال حسین عظیمی نبض نظر به پردازی را در دست گرفتند، معمای توسعه همچنان حل نشده تر این میان نام حسین عظیمی به گواه اکثر ناظران بر توسعه در ایران می درخشد و علاوه بر تجربه اش

ت به گسترش فقر دامن می زند

دوم، نسبت کارکنان دولت به کل شاغلان است که در این شاخص نیز براساس گزارش های سازمان بین المللی کار، ایران یکی از کوچک ترین دولت های دنیا را دارد. طبق گزارش ILO، این نسبت در حال حاضر ۱۶ درصد است که از میانگین ۳۸درصد کشورهای اروپایی بسیار کمتر است. بنابراین می توان گفت در ایران اساسا اصلاح و توانمندسازی دولت به کوچک سازی دولت و ظرفیت زدایی از آن محدود شده است. در حقیقت ما دولتی داریم که در حوزه هایی که باید مداخله کند و حضور داشته باشد، غایب است و برعکس در حوزه هایی که حضور دولت توصیه نمی شود، نقش آفرینی در حد گسترده و حداکثری است. مفهومی که می توان از آن برای توضیح وضع دولت در ایران استفاده کرد، تسخیرشدگی دولت است. تسخیر به صاحب قدرت و نفوذ، فضای خاکستری برای خود ایجاد می کنند تا بتوانند روند سیاست گذاری های عمومی را از حول منافع جمعی به سمت منافع خصوصی و انحصاری خودشان سوق بدهند.

برای مثال، امروزه سازمان جهانی بهداشت به کشورها توصیه می کند مدیران وزارتخانه های بهداشت و سلامت را از میان پزشکان انتخاب نکنند. چراکه وزارت بهداشت وزارتخانه ای اجتماعی با کارکردهای اجتماعی است. در ایران، اما اغلب کسانی که به سیاست گذاری حوزه سلامت مشغول اند، خودشان مالکان مراکز درمانی خصوصی، سهامداران شرکت های داروسازی و تجهیزات پزشکی و... هستند. نوع دیگری از تسخیرشدگی گونه پنهان آن است. این تسخیرشدگی علنی نیست، اما فضایی خاکستری ایجاد می کند و در حوزه هایی از عرصه سیاست گذاری به طور مداوم بر روندهای خاص

سیاست گذارانه در راستای منافع برخی ذی نفعان تاثیر می گذارد. طبیعتا در این راه از ابزار رسانه و دیگر ابزارها استفاده می کنند و با سرکوب گفتمان های رقیب، امر را بر همه مشتبه می کنند که گویی راه درست همان است که در رسانه ها گفته می شود. برای مثال، همه پذیرفته اند که خصوصی سازی سلامت و آموزش، سیاستی درست است در حالی که حتی بازار آزادترین اقتصادها هم حوزه هایی مانند آموزش و بهداشت را به بازار و بخش خصوصی نمی سپارند. نکته این است که هرچه شفاف درآمد و تمرکز ثروت افزایش یابد، خطر تسخیر سیاست گذاری نیز بالاتر می رود. مثال بارز آن، طرح تحول نظام سلامت است که آن چنان تمرکز ثروت را در گروه های خاصی از پزشکان افزایش داد که راه هرگونه اصلاح نظام سلامت را مسدود کرد. چراکه حجم منافع آن قدر زیاد شده که میل به تسخیرشدگی شدت پیدا کرده است.

تسخیر سیاست گذاری موجب افزایش بی اعتمادی به دولت و گسترش ناامیدی جمعی، بالا رفتن بی تفاوتی سیاسی و رادیکالیزه شدن نگرش مردم نسبت به شرایط خودشان و دولت می شود. به معنای دیگر، تداوم این وضعیت منجر به فرسایش قراردادهای اجتماعی می شود، به هم پستگی اجتماعی به شدت آسیب می زند و اعتبار و مشروعیت دولت را نیز با چالش جدی روبه رو می کند. تسخیر سیاست گذاری در عین حال منجر به بد تخصیصی منابع هم می شود، فعالیت های رانت جوینه را تشدید می کند و از طرفی باعث می شود نابرابری های اجتماعی به خصوص در حوزه های اجتماعی مدام بازتولید و تشدید شوند و در نهایت مسیر اصلاحات را مسدود می کند.

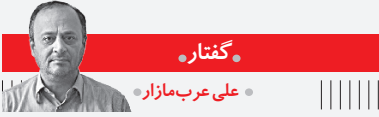
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



کتینو | ۰۹

پرسه‌ای در اندیشه‌ها و نظریه‌ها

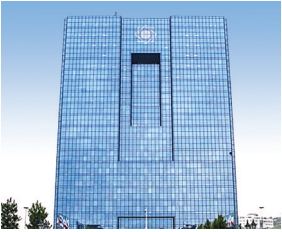
چرا فساد ضد توسعه است؟



رابطه فساد و توسعه، رابطه‌ای کلیدی و تعیین کننده است. فساد در معنای متداول آن، استفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی است. یعنی هر جا قدرت باشد، فساد نیز همزاد آن، امکان ظهور و بروز دارد. از طرف دیگر هر چه قدرت متمرکزتر باشد، زمینه برای ظهور گسترده‌تر فساد فراهم‌تر می‌شود. فساد را در هیچ کشوری نتوانسته‌اند به صفر برسانند، اما ممالکی نیز وجود دارند که در مهار فساد بسیار موفق عمل کرده‌اند. باید پرسید آیا فساد ضد توسعه است؟ در یک نگاه گفته می‌شود با فساد گاهی اوقات می‌توان مداخلات اختلال‌زای دولت را دور زد، بنابراین این دورزدن‌ها منجر به افزایش رفاه می‌شود. حتی در برخی متون اشاره می‌شود که فساد می‌تواند به‌عنوان روغن و گریس چرخ‌های توسعه عمل کند. این استدلال بیشتر ناشی از نگاه سطح خرد و ناقص به پدیده فساد است. بخش عمده ادبیات اقتصادی و توسعه تصریح می‌کند که فساد مانعی جدی بر سر توسعه‌یافتگی کشورهاست.

در سطح کلان، فساد مانعی جدی برای شکل‌گیری سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه و تولید و رشد اقتصادی محسوب می‌شود. فساد منجر به توزیع نابرابر می‌شود و به بی‌عدالتی دامن زده و از این طریق به پایداری رشد اقتصادی و شکل‌گیری یک رشد اقتصادی عادلانه لطمه می‌زند.

فساد، رابطه دولت و جامعه را مختل و اعتماد مردم به حکومت را زایل می‌کند و از این طریق زمینه لازم را برای فروپاشی اجتماعی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، فساد ضد توسعه است و باید به فکر محدودکردن زمینه‌های آن بود. تمامی شاخص‌ها و شواهد تجربی نشان می‌دهد، فساد چند مشخصه اصلی و عمده دارد. اول اینکه فساد گسترده است و اگر به آمار و ارقام موسسات بین‌المللی در باره رتبه فساد در ایران، توجه کنیم یا به شواهد و تجربیات ملموس روزمره‌مان استناد



• ادامه از صفحه ۸ •

• حسین طایی •

الزامات برنامه‌ریزی ...

۷- تجربه نشان می‌دهد حد تفصیل و حد جامعیت، چشم‌اسفندیار برنامه‌های گذشته در هر دو سطح ملی و محلی بوده است. جامعیت و فراگیری موضوعی برنامه‌ها نمتنها با منطق برنامه‌ریزی، یعنی شناسایی و گزینش و برکشدین اولویت‌های موضوعی و فضایی منافات روشن دارد، بلکه مانع اصلی اجرای برنامه‌ها هم است. لذا لازم است در مرحله تحلیل با رویکرد جامعیت و در مرحله تعیین اولویت‌ها با رویکرد برنامه‌ریزی هسته‌ای، یعنی تعیین محورهای کلیدی و اولویت‌دار و هسته‌های خط‌دهنده تدوین شود.

۸- برنامه‌ها باید در سه سطح الزام برای سطوح سازمانی تحت کنترل، تاثیرگذاری و تعاملی برای سایر سازمان‌های همکار در بخش‌های عمومی و خصوصی و اقناعی و متقاعدکننده برای سایر ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان در توسعه تدوین شود.

۹- برنامه‌ها ناگزیر باید کاملا مشارکتی، با جلب سازماندهی حداکثری مدیران و کارشناسان، صاحبان اندیشه و تجربه در دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی و تشکل‌های تخصصی و صنفی و سایر بازیگران و کنشگران تدوین شود. باید سازوکارهای لازم برای دستیابی به ذهنیت و زبان مشترک و پیشگیری از آسیب، انسجام و کلیت برنامه‌ها پیش‌بینی شود.

۱۰- در برنامه‌های توسعه، باید انسجام سیاستی به‌منابره رویکرد و ابزاری سیاستی برای ادغام و لحاظ ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و حکامیت توسعه ملی در تمام سطوح سیاست‌گذاری مورد امان‌نظر قرار گیرد.

رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

• ادامه از صفحه ۸ •

• فرشاد مومنی •

برنامه‌ریزی در مقابل ...

در عین‌حال ما با شدیدترین بحران هماهنگی به‌صورت نظاموار روبه‌رو هستیم و تجربه سال ۸۴ تابه‌امروز این را می‌گوید که حتی نقش برنامه‌ریزی در کشور ما از عدم وجود آن بهتر است، بنابراین ضمن اینکه باید اصل موضوع را به رسمیت شناخت و جدی گرفت، راجع به کاستی‌های اساسی معرفتی و نهادی کنونی نیز لازم است به‌طور ویژه فکر کنیم. مادر سه دهه گذشته به نام برنامه‌ریزی علاوه بر بحران هماهنگی با بحران مشارکت نیز روبه‌رو شده‌ایم. در برنامه اول نرخ مشارکت مردم ۶۰درصد بود، اما اکنون حول‌وحوش ۴۰درصد در نوسان است. این سقوط از منظر بازارگرایی مبتذل بسیار معنادار است. نکته بسیار مهم این است که در بازارگرایی مبتذل، مسئله کوته‌نگری از پشتیبانی علمی نیز بهره‌مند است، چراکه در منطق بازار، دغدغه اصلی تعادل‌های لحظه‌ای است و به اشتباه تصور می‌شود، تعادل جمع افقی تعادل‌های موجود است. این در حالی است که ما به تعادل‌های تغییر یافته نیاز داریم، یعنی تغییراتی که از دام تعادل‌های بحران‌ساز بیرون بیاوریم و به تعادل‌های سطح بالاتر فکر کنیم. در سه دهه اخیر نمونه‌های زیادی از این زمینگیر شدن توسعه در ایران قابل ردیابی است. با همه ادعا و شعار و تبلیغاتی که صورت گرفته و منابع زیادی که صرف شده، همچنان جایگاه ایران در تقسیم‌کار جهانی نازل است و ۸۵درصد کل عایدات کشور از محل خام‌فروشی تأمین می‌شود. این در حالی است که میانگین جهانی این نسبت ۲۹درصد بیان شده است. بنابراین ما با چندمسئله حاد و جدی روبه‌رو هستیم که باید درباره آن زودتر فکر کنیم. در ۳۰سال گذشته در غیاب محوریت توسعه و گرایش‌های افراطی به بازارگرایی مبتذل، ما با پدیده‌ای به نام گذار خطرناک خام‌فروشی به آیندخام‌فروشی روبه‌رو هستیم. مسئله بسیار خطیر و حیاتی دیگر این است که ما از نظر اقتصادی سیاسی با ابعادی سابقه تسخیرشدگی ساختار قدرت از جانب گروه‌های پرنفوذ غیرمولد روبه‌رو هستیم و محاسبات نیز نشان می‌دهد نظام تصمیم‌گیری کوتاه‌نگر و فاقد برنامه از طریق سیاست‌گذاری‌های خودش به تسخیرشدگی گروه‌های پرنفوذ قدرت ادامه می‌دهد و شرایطی ایجاد شده که براساس محاسبات، اندازه رانت ضدتوسعه‌ای ایجاد شده در سال ۹۷، برای اولین بار از کل اندازه رانت نفت فراتر رفته است.

اقتصاددان

آفت وابستگی به مسیر طی شده



در کشور ما از سال ۱۳۲۷ برنامه‌ریزی توسعه اجرا می‌شود، اما برای همه این پرسش و وجود دارد که چرا ایران به سمت برنامه‌ریزی توسعه حرکت کرد. دلایل زیادی برای پاسخ به این پرسش می‌توان بیان کرد. برای نمونه ایران در همسایگی با شوروی قرار داشت و از طرفی نیز اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی برای روشنفکران آن زمان نگران‌کننده بود. از همه مهمتر اینکه از قدیم گفته‌اند برای کشیترانی که نمی‌داند کجا می‌رود هیچ بادی نامساعد نیست. کشتی اقتصادی و اجتماعی ممکن است همه جا در اقیانوس‌ها سرگردان به پیش برود و به هیچ مقصدی نرسد اما برنامه اگر نشان دهد که به کجا می‌خواهیم برسیم، راحت‌تر راهنمایی‌مان خواهد کرد.

ما با شروع اولین برنامه هفت‌ساله عمرانی از سال ۱۳۲۷ به دوران جدیدی گام نهادیم و علاوه بر اینکه نگاه کردن یک روزه، یک ماهه و یک ساله را به‌طور رسمی به تاریخ سپردیم، مهمتر از این‌ها برنامه‌ریزی توسعه این امکان را فراهم کرد که استفاده از درآمدهای نفتی و ذخایر خدادادی در راه ایجاد ارزش افزوده، تولید و خلق شغل برای جمعیت کشور به کار گرفته شود. واقعیت این است که برنامه‌ریزی توسعه در ایران کنونی نیز از آفت‌های زیادی در عذاب است. برای مثال توسعه در مکان و در سطح محلی ریشه پیدا می‌کند و جوانه می‌زند اما ما در برنامه‌ریزی‌هایمان به آن توجه نداریم. علاوه بر این باید تأکید کرد که برنامه‌های توسعه‌ای در ایران عمدتا دولت‌محور هستند و بخش غیردولتی و اقتصاد غیردولتی به‌صورت باقی‌مانده به برنامه‌ها ورود پیدا می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت ما به برنامه‌ریزی

اقتصاددان